



شعر، هوش عاطفی و پویایی کودک است

رویکردی به گستره‌ی هوش هیجانی در تعامل با شعر کودکان

مینا نجفی

دانشجوی آموزش و پرورش کودکان پیش دبستانی

اشاره

هوش هیجانی، از مقوله‌های نوپدید در مباحث علوم تربیتی است. طبیعی است، این مبحث بر اساس ضرورت، جایگاه خود را در موضوعات مرتبط با آموزش پیش از دبستان نیز یافته است. در این مقاله ارتباط هوش هیجانی با شعر بررسی می‌شود.

ژورنال علمی و مطالعات فرهنگی

مجمع علوم انسانی

چکیده

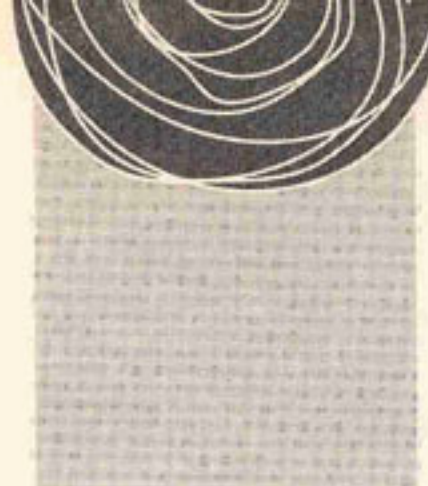
عوامل بسیاری برای آموزش کودک مورد نیازند؛ از جمله علم و هنر که هر دو در گستره‌ی ادبیات موجودند. ساختار شعر در ادبیات کودک به گونه‌ای است که مربی یا والدین می‌توانند درباره‌ی زبان، عاطفه، تخیل، اندیشه و ساخت شعر، با کودک گفت‌وگو کنند و غیرمستقیم به کودک نیز آموزش دهند که در مرحله‌ی شنیدن خلاق، مفاهیم و عناصر شعر را دریابد. از سوی دیگر در بهره‌گیری از هوش هیجانی، می‌توان این فرایند را اعمال کرد و از مزایای هوش هیجانی استفاده کرد و هم‌زمان با مراحل رشد، آن را کسب کرد؛ چون میزان هوش هیجانی با افزایش سن بستگی مستقیم دارد.

با توجه به هدف‌های پیش‌بینی شده در این مقاله، و با بهره‌گیری از ادبیات کودکان، ابتدا تعاریفی از شعر کودک، عناصر، مفاهیم و ساخت آن ارائه شده است. سپس با اشاره به موضوع هوش هیجانی و ابعاد آن و با توجه به این که یادگیری مستلزم فعالیت شخصی است و از طریق گنجاندن مفاهیم موردنظر در شعر به عنوان نوعی آموزش غیرمستقیم تحقق می‌یابد، تعامل دوسویه‌ی هوش هیجانی و شعر کودک مدنظر قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: هوش هیجانی، شعر کودکان، آموزش غیرمستقیم، شنود مؤثر.

سرآغاز

از هوش، تعریف‌های متعددی شده است. برخی متخصصان هوش را به عنوان مهارت حل مسئله و برخی دیگر به عنوان توانایی سازگاری با محیط و یادگیری از تجربیات زندگی روزانه توصیف می‌کنند. در گذشته، زمانی که در مورد انواع هوش بحث و بررسی می‌شد، کسی نمی‌دانست زمینه‌های کاربرد هوش هیجانی ممکن است به سرعت توسعه یابد و به تمام ابعاد زندگی انسان‌ها راه یابد. اما به تدریج این امر تحقق یافت و امروزه از هوش هیجانی در حوزه‌های گوناگون به ویژه در انواع مدیریت‌ها بهره‌گیری می‌شود و به موازات آن، زمینه‌های جدیدی برای کاهش مشکلات جاری در تعاملات بین فردی و افزایش بهره‌وری و مهارت‌های افراد، جست‌وجو و تعریف می‌شود [عابدی و خاکباز، ۱۳۸۵، سایت هوش هیجانی]. از جمله‌ی این فرایندها، می‌توان به راه‌یابی این مفهوم به حوزه‌ی ادبیات کودکان اشاره کرد که زوایای جالب و بسیاری را گشوده است.



طرح موضوع

هوش یکی از مهم‌ترین دارایی‌های انسان است. **ترستون** معتقد بود، افراد از هفت نوع هوش متفاوت برخوردارند و آن‌ها را توانایی‌های اولیه نامید. گاردنر نیز در بررسی‌های خود به این هفت نوع هوش پرداخت که عبارت بودند از: هوش منطقی - ریاضی، هوش زبان‌شناختی، هوش فضایی، هوش موسیقایی، هوش جسمی حرکتی، هوش درون فردی و هوش میان فردی. در امتداد نظریه‌های متفاوت این حوزه، نظریه‌ی هوش هیجانی توانسته است توجه بسیاری را به خود جلب کند.

نظریه‌ی هوش هیجانی به وسیله‌ی **پیتر سالوی و جان مایر** به عنوان توانایی نظارت بر احساسات و هیجانات خود و دیگران، تمیز قائل شدن بین آن‌ها و استفاده از این اطلاعات برای هدایت تفکر و عمل خود تعریف شده است. مفهوم هوش هیجانی توسط **گلمن گسترش** یافته است. او معتقد است، برای پیش‌بینی شایستگی هر فرد، اهمیت بهره‌ی هوشی کمتر از هوش هیجانی است. هوش شناختی در بهترین شرایط، تنها ۲۰ درصد از موفقیت‌ها را باعث می‌شود و ۸۰ درصد از موفقیت‌ها به عوامل دیگری وابسته‌اند [یبابانگرد، ۱۳۸۴: ۱۱۶]. از دید گلمن هوش هیجانی چهار حوزه را دربر می‌گیرد:

۱. رشد آگاهی‌های هیجانی، مانند توانایی جدا کردن احساسات.
 ۲. مدیریت هیجانات، مانند توانایی کنترل خشم.
 ۳. خواندن هیجانات، مانند توانایی تشخیص موضع دیگران.
 ۴. اداره کردن و مدیریت روابط، مانند توانایی حل مشکلات ارتباطی.
- او در نگاهی مبسوط‌تر معتقد است، این هوش پنج مؤلفه به شرح زیر دارد که ۱۵ عامل در آن مؤثرند:

۱. مهارت‌های درون فردی شامل:

- ۱-۱. خودآگاهی هیجانی (بازشناسی و فهم احساسات خود).
- ۲-۱. جرئت ابراز احساسات، عقاید، تفکرات و دفاع از حقوق شخصی به شیوه‌ای سازنده.
- ۳-۱. خودتنظیمی (آگاهی، فهم، پذیرش و احترام به خویشتن).
- ۴-۱. خودشکوفایی (تحقق بخشیدن به استعدادها بالقوه‌ی خویشتن).
- ۵-۱. استقلال (خودفرمایی و خودکنترلی در تفکر و عمل شخصی و رهایی از وابستگی هیجانی).

۲. مهارت‌های میان فردی شامل:

- ۱-۲. روابط میان فردی (فهم و درک احساسات دیگران، از طریق ایجاد رضایت‌بخشی دو جانبه به صورت نزدیکی هیجانی و وابستگی مشخص می‌شود).
- ۲-۲. تعهد اجتماعی (عضو مؤثر و سازنده‌ی گروه اجتماعی خود بودن، و نشان دادن خود به عنوان یک شریک خوب).
- ۳-۲. همدلی (توان آگاهی از احساسات دیگران، و درک احساسات و تحسین آن‌ها).

۳. سازگاری شامل:

- ۱-۳. مسئله‌گشایی (تشخیص و تعریف مسائل و همچنین ایجاد راهکارهای مؤثر).
- ۲-۳. آزمون واقعیت (ارزیابی مطابقت میان آنچه به‌طور ذهنی و آنچه

به‌طور عینی تجربه می‌شود).

۳-۳. انعطاف‌پذیری (تنظیم هیجان، تفکر و رفتار به هنگام تغییر موقعیت و شرایط).

۴. **کنترل استرس** شامل: کنترل تکانه (ایستادگی در مقابل تکانه یا انکار تکانه).

۵. خلق عمومی شامل:

- ۱-۵. شادی (احساس رضایت از خویشتن، و شاد کردن خود و دیگران).
- ۲-۵. خوش‌بینی (نگاه به جنبه‌های روشن زندگی و حفظ نگرش مثبت حتی در مواجهه با ناملايمات) [پیشین].

ادبیات کودک و جایگاه شعر

ادب یا ادبیات به‌طور کلی عبارت است از تعبیر و بیان احساسات و عواطف و افکار به وسیله‌ی کلمات در اشکال و صورت‌های متفاوت مانند شعر، انشا، نثر و... ادبیات کودکان در بخش بزرگی از هستی خود به شکل شفاهی روایت می‌شده است و سند مکتوبی از نقطه‌ی آغازین این پدیده وجود ندارد. اما می‌توان گفت، از هنگامی که انسان به جادوی زبان فراتر از کاربردهای روزمره پی برد، پدیده‌ای به نام ادبیات در زندگی او شکل گرفت. ادبیات شفاهی بخش مهم و اساسی فرهنگ جامعه محسوب می‌شود.

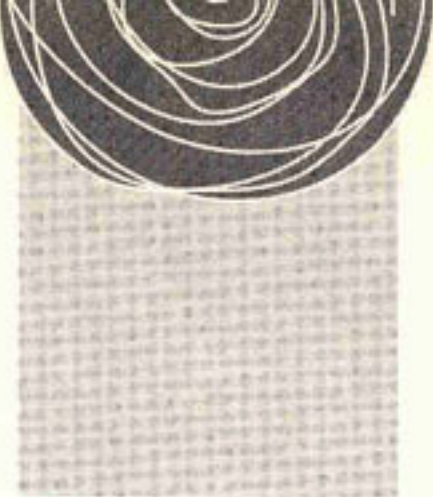
شعر نیز در سنتی‌ترین تعریف کلامی خود، کلامی موزون و مقفی و متخیل است که عنصر خیال‌انگیزی به درون مایه‌ی آن برمی‌گردد و وزن و قافیه به ساختار بیرونی آن. در تعریف دیگری می‌خوانیم: شعر بیان محض، محسوس و هنرمندانه‌ی ذهنیات انسان است، در قالب زبانی عاطفی و موزون [کیانوش، ۵۰-۵۵]. حال شعری را می‌توان «شعر کودک» نامید که از نظر دایره‌ی واژگان، فضای عاطفی، استفاده از عناصر زندگی کودکانه، استفاده از تخیل کودکانه، و اندیشه و تفکر، با مخاطب واقعی در گروه سنی مورد نظر شاعر تناسب داشته باشد.

شنیدن شعر، ذهن کودک را غنی‌تر می‌کند. هر قدر متون بیشتری برای کودک خوانده شود، گنجینه‌ی لغات وی گسترده‌تر می‌شود. شنیدن و خواندن شعر ابزار لازم را برای ارتقای سطح بیان شفاهی به او می‌دهد. در شنیدن خلاق، عاطفه، اندیشه، تخیل و زبان کودک هم درگیر می‌شوند. کودک وقتی به شنیدن خلاق می‌رسد که با آوا، معنا، صوت و مفهوم شعر ارتباط برقرار کند. اگر فضا آماده‌ی شعرخوانی باشد، اوضاع را برای دریافت و درک بیشتر مفاهیم شعر آماده می‌کند [امینی، ۱۳۸۵].

نقد و تحلیل موضوع

از جمله ویژگی‌های انسان، استعداد خاص یادگیری، تفکر و تعبیر از افکار و عواطف و بدین وسیله، برقراری ارتباط با دیگران است. ساختار وجودی انسان طوری است که نمی‌تواند تنها زندگی کند و ناگزیر است با هم‌نوعان خود گرد آید و در طول حیاتش، بین خود و ایشان ارتباط‌های فکری و عاطفی برقرار کند. حجازی پس از ارائه‌ی اهداف ادبیات کودکان از دیدگاه‌های متفاوت، این اهداف را در پنج دسته طبقه‌بندی می‌کند [حجازی، ۱۳۷۴: ۲۱]:

۱. آماده کردن طفل برای شناختن، دوست داشتن و ساختن محیط.
۲. شناساندن طفل به خویشتن، ایجاد احترام به اصالت انسانی و میل به اعتلای مداوم.



۳. سرگرم کردن و لذت‌بخش بودن.

۴. علاقه‌مند کردن طفل و ایجاد عادت مطالعه در او.

۵. ایجاد و تقویت صلح در جهان.

شعر نیز یکی از حوزه‌های مهم ادبیات کودک محسوب می‌شود. برخی ترجمه‌ها، هیجان را عاطفه (هوش عاطفی) یا پویایی (هوش پویا) نام نهاده‌اند. عواطف درون شعر، به عبارت دیگر عواطف آدمی در ذهن و روح و جانش هستند [خرازی و دولتی، ۱۳۷۵: ۲۱۳]. ادبیات در ساخت خودآگاهی کودک بسیار تأثیرگذار است. زیرا کودک می‌آموزد، دنیاهایی جز دنیای خانه وجود دارد. انسان در تمام فعالیت‌های ذهنی و راهبردی خود به خواندن نیاز دارد. چه آن‌ها را در زمره‌ی نیازهای حسی و عاطفی طبقه‌بندی کنیم، چه در رده‌ی نیازهای شناختی، کودک از لحظه تولد وارد مرحله‌ی شناختی می‌شود و درصدد شناخت خود، دیگران و محیط برمی‌آید.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

شعر مفاهیم عاطفی، هیجانی و آموزشی بسیاری را دربردارد و همراه کردن آن با شنیدن خلاق که به درک همه‌جانبه‌ی شعر می‌پردازد، می‌تواند معانی بسیاری را با توجه به ابعاد هوش هیجانی و ارتباط آن با شعر کودک انتقال دهد. با توجه به پنج مؤلفه‌ی مورد نظر دانیل گلنن و ساختار شعر، می‌توان از دو گونه مهارت نام برد:

۱. مهارت‌های درون فردی: خودآگاهی هیجانی، جرئت و خودتنظیمی.
 ۲. مهارت‌های میان فردی: روابط میان فردی، همدلی و خلق عمومی (شادی و خوش‌بینی).
- جاذبه‌های موسیقایی شعر در کودک شادی می‌آفریند. طبعاً جاذبه‌های

موسیقایی در شعر نقش اول را دارند و کودک ابتدا با شکل و ظاهر شعر ارتباط برقرار می‌کند. میزان درک و دریافت کودک از شعر، به خود کودک و شعر بستگی دارد و تمرین‌ها و تجربه‌هایی که قبل از آن داشته است [امینی، ۱۳۸۵].

مربی یا والدین می‌توانند نقش اساسی و مهمی را در شعرخوانی و بالا بردن میزان درک کودک از شعر داشته باشند. شنیدن خلاق که به درک همه‌جانبه‌ی شعر منتهی می‌شود، می‌تواند با آموزش والدین و معلمان صورت بگیرد. اگر با مدیریت صحیح بتوان آموزه‌های هوش هیجانی را در قالب شعر گنجاند، بدین وسیله می‌توان آموزش غیرمستقیم را که یکی از مهم‌ترین روش‌های آموزشی است، در ارتباط متقابل و تعامل دوطرفه‌ی شعر و هوش هیجانی درک کرد. بنابراین نکته‌ی مهم این است که به کارگیری عناصری مثل زبان، تخیل، عاطفه و اندیشه در شعر کودک باید به گونه‌ای اتفاق افتد که روانی و رسا بودن شعر را به اختلال نیندازد و هنگام خواندن، باعث توقف ذهن کودک و گشتن به دنبال معنای یک کلمه یا درک یک مفهوم نشود [پیشین].

پیشنهادهای دیگر در این زمینه عبارت‌اند از: اضافه کردن مطالب و مفاهیم ادبی در واحد کارهای مهد کودک و آموزش کودک، و گسترش و پرورش عادات و منش‌های مطالعه‌ی صحیح با توجه به درک عمیق مطالب خوانده شده یا تکرار شده با استفاده از روش شنیدن مؤثر.

منابع

۱. قزل ایاق، ثریا. قصه‌گویی و نمایش خلاق. مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۵.
۲. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. ادبیات کودکان. انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۸.
۳. قزل ایاق، ثریا. ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن (مواد کتاب‌خانه‌ای برای کودکان و نوجوانان). انتشارات سمت، ۱۳۳۲.
۴. گلنن، دانیل. هوش هیجانی. ترجمه‌ی نسرین یارسا. انتشارات رشد، ۱۳۸۳.
۵. امینی، سودابه. مقاله‌ی نقش شعرخوانی در تقویت مهارت‌های حسی کودکان. ۱۳۸۵.
۶. محمدی، محمد هادی. مقاله‌ی خانه و خانواده، مفهوم زیستی و جامعه‌شناختی. ۱۳۸۴.
۷. عابدی، یوسف و خاکباز، مهشید. مقاله‌ی آموزه‌های هوش هیجانی برای ادبیات کودکان و نوجوانان. ۱۳۸۵.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

